

معرفی کتاب راهنمای نظریه ادبی

● نویسنده: نیلوفر آقا‌براهیمی

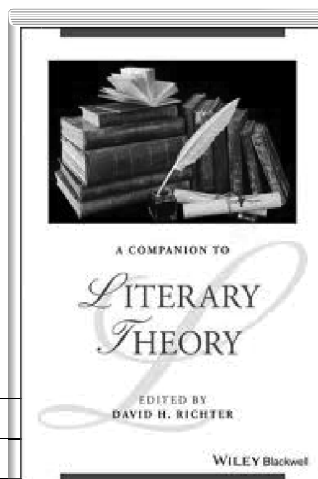
دانش‌آموخته دوره دکتری زبان‌شناسی دانشگاه الزهراء niloofarebrahimi021@gmail.com

انتشارات وایلی بلکول^۱ در سال ۲۰۱۸ کتاب *راهنمای نظریه ادبی*^۲ را با ویرایش دیوید اچ. ریکتر^۳، استاد دانشگاه شیکاگو، نویسنده کتاب *مطالعه رمان قرن هجدهم* (۲۰۱۷) و *ویراستار ایدئولوژی و فرم در ادبیات قرن هجدهم* (۱۹۹۹)، منتشر کرد. این کتاب ارزشمند ۳۶ مقاله به قلم صاحبان اندیشه در عرصه‌های ادبیات و مطالعات فرهنگی را شامل می‌شود. در میان اسامی این صاحبان قلم و اندیشه، نام‌هایی همچون سیراج احمد^۴ نویسنده *باستان‌شناسی بابل: شالوده استعماری علوم انسانی* (۲۰۱۸)، میشل بالائو^۵ نویسنده کتاب *رویکردهای معاصر به نظریه ترومای ادبی* (۲۰۱۴)، ریچل سگنر برما^۶ دانشیار ادبیات انگلیسی کالج سوارثمور در فیلادلفیا، ویلیام ای. کین نویسنده مقاله‌هایی دربارهٔ ارنست همینگوی، جورج اورول، ویلیام شکسپیر و شمار دیگری از ستاره‌های درخشان آسمان ادبیات، جوزف کرال^۷ نویسنده کتاب‌های *نظریه فرهنگی متیو آرنولد* (۱۹۸۳) و *تطور و نظریه ادبی* (۱۹۹۴)، کارن کت یکی از نویسندگان کتاب *مادران در ادبیات کودک و نوجوان: از قرن هجدهم تا پسا فمینیسم* (۲۰۱۶)، توماس فاستر^۸ استاد زبان انگلیسی دانشگاه واشنگتن، هرولد فرام^۹ نویسنده کتاب *قرائت نقد بوم‌گرا* (۱۹۹۶)، مارگارت گلوان^{۱۰} دانشیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه فلوریدا، گلن رابرت گیل^{۱۱} نویسنده کتاب *نورتروپ فرای و پدیدارشناسی اسطوره* (۲۰۰۶)، مارینا گریشاکوا^{۱۲} استاد نظریه ادبی در دانشگاه تارتو، ورن مونتاگ^{۱۳} نویسنده کتاب *ادم اسمیتی دیگر* (۲۰۱۴) و پیتر ج. رابینوویتز^{۱۴} از نویسندگان کتاب *نظریه روایت*، دیده می‌شوند.

مقاله‌های این کتاب در هفت بخش طبقه‌بندی شده‌اند:

۱. فرم ادبی: داستان و شعر (۶ مقاله)

۲. وظیفه خوانش (۵ مقاله)



■ D. H. Richter (2018) A Companion to
Literary Theory. Wiley Blackwell.

۳. جایگاه ادبیات و مطالعات فرهنگی (۴ مقاله)

۴. سیاست ادبیات (۷ مقاله)

۵. هویت‌ها (۷ مقاله)

۶. بدن‌ها و ذهن‌هایشان (۴ مقاله)

۷. انحناهای علمی (۳ مقاله)

بخش اول با مقاله «نقد انگلیسی و آمریکایی جدید» به قلم ویلیام ای. کین^{۱۵} آغاز می‌شود. در این مقاله کین از روزهای اوج نقد جدید^{۱۶} که نام خود را از عنوان کتاب رنسم^{۱۷} وام گرفته است، در بریتانیای کبیر و ایالات متحده، در قرن بیستم سخن می‌گوید، از روزهایی که نقد جدید به گفته و گنر^{۱۸} (۱۹۵۷: ۲۲۴) بهترین نقد بود و بسیاری از منتقدان و آموزگاران ادبیات با وجود تفاوت‌های مهمی که در میان آنها مشاهده می‌شد، گروه منتقدان جدید را تشکیل داده بودند و توجهی ویژه به ساختار بلاغی متن ادبی داشتند. کین به این موضوع مهم اشاره می‌کند که ده‌ها سال قبل، عصر طلایی این جنبش نقد که لگن^{۱۹} (۲۰۰۸: ۲۵۵) آن را «عصر طلایی نقد ادبی مدرن» نامید، به پایان رسیده است. به باور کین شکل‌گیری و نهادینه شدن نقد جدید را می‌توان به مجموعه مهمی از نقدهای ادبی، از جمله آثاری از تی. اس. الیوت^{۲۰}، ای. ای. ریچاردز^{۲۱}، ویلیام امپسون^{۲۲}، بورک^{۲۳}، ازرا پاوند^{۲۴}، ف. ر. لیویس^{۲۵}، بلکمر^{۲۶}، ایور وینترز^{۲۷}، رنسم، بروکس^{۲۸} و الن تیت^{۲۹} پیوند داد. ویژگی برجسته نقد ادبی جدید توجه و تمرکز آن بر شعر است. کین با نقل‌قول‌هایی از الیوت، پاوند و لیویس به این ویژگی اشاره کرده است. زایش نقد ادبی از بستر تحولات نقد جدید، معرفی آثاری که در چارچوب این روش نقد به رشته تحریر درآمده‌اند، موضوعات گوناگونی که مورد توجه منتقدان جدید قرار گرفتند، منتقدان نقد جدید، ستایشگران نقد جدید، و جایگاه نقد جدید در آموزش عصر حاضر از

مباحث مطرح در این مقاله‌اند. در خط پایان این مقاله می‌خوانیم: «امروز نقد جدید وجود ندارد. هیچ‌کس یک منتقد جدید نیست زیرا همه منتقد جدیدند». مقاله «صورتگرایی شیکاگو» را ریکتر با اشاره به خاستگاه صورتگرایی شیکاگو در دانشگاه شیکاگو آغاز می‌کند. صورتگرایی شیکاگو به‌عنوان دگرواره‌ای برای نظریه‌های صورتگرایی منتقدان جدید مطرح شد. تحلیل متنی صورتگرایان شیکاگو به کتاب‌های علمی و مجله‌های علمی و فرهنگی محدود شده بود و مفاهیم ژانر، استقلال متنی و کثرت‌گرایی از جمله مفاهیم مهم مطرح در این نظریه بودند. اهمیت جایگاه ژانر به این دلیل بود که به باور اندیشمندان این مکتب، متن تنها زمانی خوب بود که آن چیزی را تحقق می‌بخشید که برای انجامش طراحی شده بود. برای درک این طراحی، صورتگرایان آن را در نظامی از ژانرهای موجود قرار می‌دادند. ریکتر با ذکر نمونه‌هایی از تحلیل‌های صورتگرایان شیکاگو، جایگاه ژانر در این چارچوب نقد را نشان می‌دهد. صورتگرایی شیکاگو نسل دومی داشت که دامنه خود را تا آنچه اینک نظریه روایت بلاغی نامیده می‌شود و یکی از مهم‌ترین شاخه‌های روایت‌شناسی معاصر است، گسترش داد. مقاله ریکتر نسل اول، نسل دوم و نیز نسل سوم صورتگرایی شیکاگو را معرفی می‌کند.

«صورتگرایان اندیشه‌هایی را درباره هنر کلامی و روش‌های مطالعه آن مطرح کردند»: این کلید طلایی ورود به مقاله دیوید گرمن^{۲۰} است. او مقاله خود، «صورتگرایی روسی»، را با اشاره به این نکته آغاز می‌کند که در مقاله خود این باور را که «صورتگرایی زمینه‌ساز ساختارگرایی و در نتیجه زمینه‌ساز پسا‌ساختارگرایی است»، باوری که در عصر حاضر مطرح شده، کنار می‌گذارد، و یادآور می‌شود که در مقاله خود به صورتگرایی به‌عنوان یک «مکتب» یا «گروه» اشاره می‌کند و آنچه ارائه می‌دهد، بازسازی نظری صورتگرایی روسی است و نه بازسازی تاریخی آن. پیدایش صورتگرایی روسی، چهره‌های برجسته این مکتب، اصول صورتگرایی روسی، جایگاه فرم، علم، شعر، نثر، تاریخ ادبیات و آشنایی‌زدایی از مهم‌ترین مباحث مطرح در این مقاله‌اند.

ساختارگرایی در پاریس و در دهه ۱۹۵۰ ایجاد شد. کامو، سارتر و بارت نخستین چهره‌های مطرح ساختارگرایی بودند: کامو با کتاب شورشی^{۲۱}، سارتر با ادبیات چیست؟ و بارت با درجه صفر نوشتار. کامو بر این باور است که ادبیات نسبت به جامعه نوعی دیگری منفی‌طیفان‌گر است، درحالی‌که سارتر ادبیات را شکلی از تعهد اجتماعی مستقیم می‌داند، و بارت چنین اظهار عقیده می‌کند که تعهد اجتماعی ادبیات غیرمستقیم است و از زبان، سبک و نوشتار اثر می‌پذیرد. مارینا گریشاکوا در مقاله «ساختارگرایی و نشانه‌شناسی»، زوایای گوناگون نمایش باشکوه ساختارگرایی را به تصویر کشیده است.

سبک‌شناسی چیست؟ مایکل تولان^{۲۲} پاسخ می‌دهد: «تحلیل زبان‌شناختی

متون ادبی یا غیرادبی که متن را ارتباط نویسنده-خواننده می‌داند». خاستگاه سبک‌شناسی کجاست؟ چهره‌های برجسته و اثرگذار سبک‌شناسی چه کسانی هستند؟ جایگاه متن‌های ادبی در مطالعات سبک‌شناسی کجاست؟ مخاطبان اصلی سبک‌شناسی چه کسانی هستند؟ اصول سبک‌شناسی کدام‌اند؟ مایکل تولان در مقاله «سبک‌شناسی» سخاوتمندانه به این پرسش‌ها و هر پرسش دیگری که درباره سبک‌شناسی دارید، پاسخ می‌دهد.

«نظریه روایت معاصر»^{۳۳} به قلم جیمز فیلن^{۳۴} آخرین مقاله بخش نخست کتاب راهنمای نظریه ادبی است که رویکردهای نظری گوناگون مطرح در نظریه روایت معاصر در آن بررسی می‌شود. «نظریه روایت و سنت روایت غیرنمایشی»، «نظریه روایت، مرزهای میان آثار داستانی و آثار غیرداستانی»، «رویکردهای شناختی و نظریه ذهن»، «رویکرد فمینیسم» و «رویکرد بلاغی» مهم‌ترین محورهای موضوعی این مقاله‌اند.

بی‌تردید «بیانیه مرگ مؤلف» رولان بارت را به یاد دارید. در مقاله‌های بخش دوم کتاب مباحث مربوط به نیت نویسنده، جایگاه نویسنده و جایگاه خواننده بررسی می‌شود. پتر جی. رابینوویتز با بیان اینکه از زمانی که سقراط ادعا کرد شاعران نمی‌دانند درباره چه چیزی سخن می‌گویند، همواره درباره جایگاه نویسنده و نیت او بحث و گفتگو بوده است، به روند تاریخی شکل‌گیری این مباحث و معرفی آراء و نظریه‌های منتقدان و صاحبان اندیشه در این حوزه می‌پردازد. کریستوفر نوریس^{۳۵} در مقاله‌ای با عنوان «واسازی»^{۳۶}، با اشاره به قلمرو این مفهوم که از فلسفه و نظریه ادبی تا گفتمان فرهنگی و روزنامه‌ای گسترش یافته است و با شرح تفصیلی ابعاد فلسفی آثار دریدا و اشاره به پیشنهادهای او برای خوانش واسازانه آثار روسو، کانت، هگل، نیچه، هوسرل و دیگران، چپستی این خوانش دریدایی را بررسی می‌کند. او به نقل از دو مان^{۳۷} خوانش واسازانه را این‌گونه تعریف می‌کند: «واسازانه خواندن با سماجت خواندن است». بخش مهمی از مقاله نورس به اندیشه‌ها و آثار دومان اختصاص دارد. «نظریه واکنش خواننده» عنوان مقاله دیوید س. میال^{۳۸} است که با مرور تاریخ نظریه خوانش آغاز می‌شود. میال در این مقاله نتایج آزمایش‌های مشاهده‌ای خود و همکارانش را که با حضور شرکت‌کنندگان انجام شده‌اند، ارائه می‌کند. یکی از بخش‌های خواندنی این مقاله بخشی است که به تشریح آزمایش چگونگی واکنش خوانندگان به تغییر نقش مقوله‌های دستوری در اتلوی شکسپیر اختصاص یافته است. سوزان کین^{۳۹} در مقاله خود با عنوان «مطالعات احساس یگانگی» احساس یگانگی^{۴۰} را که یکی از ابعاد واکنش خواننده به ادبیات است، بررسی می‌کند. مطالعه احساس یگانگی که ریشه در زیبایی‌شناسی روان‌شناختی آلمان دارد، از ابتدا تلاشی میان‌رشته‌ای بوده است که روان‌شناسان، فلاسفه و منتقدان ادبی و در دهه‌های اخیر، دانشمندان علوم اعصاب به آن اهتمام ورزیده‌اند.

آخرین مقاله این بخش را ریچل سگنر برما و متیو ک. گلد^{۴۱} نوشته‌اند. آنچه روزگاری تنها تصویری خیالی در داستان‌های علمی - تخیلی بود، امروز به کمک فناوری تحقق یافته است: رایانه‌هایی که می‌خوانند. اگر به بحث‌های رایانشی درباره متن و خواندن علاقه‌مندید و اگر دانستن پاسخ این پرسش که «امروز چگونه می‌خوانیم؟» برای شما جالب توجه است مقاله «پیشنهادهای جدید درباره خواندن در عصر دیجیتال» را بخوانید.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۱ و ۲
بهار و تابستان ۱۳۹۷

۱۴۵

بخش سوم کتاب راهنمای نظریه ادبی به موضوع تعیین مرزهای ادبیات اختصاص یافته است. موضوع آموزش‌های ادبی چه بود و امروز چیست؟ مرزهای ادبیات به کدام متون محدود می‌شد و این مرزها تا به امروز، تا کجا گسترش یافته‌اند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها گفته شده است که فن بلاغت و فن خطابه همه‌جا تدریس می‌شد، اما به نظر می‌رسد که ادبیات، حتی ادبیات کلاسیک، موضوع مهمی نبود و آثار بزرگانی چون شکسپیر و میلتون اساساً با دوره‌های فن بلاغت که در اواخر قرن نوزدهم از صحنه آموزش کنار گذاشته شد، وارد برنامه‌های آموزشی شدند. از آن پس ادبیات در گروه‌های نوپای زبان، به‌عنوان موضوعی جانبی و در جایگاهی پایین‌تر از مطالعه زبان، پناهی امن یافت. جان گلری^{۴۲} در مقاله خود با عنوان «جایگاه ادبیات» به تاریخ جغرافیای ادبیات پرداخته است. مقاله دوم این بخش را جیمز ای. دابلیو هفرن^{۴۳} با موضوع رابطه زبان، ادبیات و هنرهای تجسمی نوشته است. او مقاله خود را با نقل قولی از شاعر یونانی قرن پنجم آغاز می‌کند: «نقاشی شعر بی‌صدا، شعر نقاشی گویاست». یکی از موضوعات جالب توجه مطرح در مقاله هفرن چگونگی واکنش هنرهای تجسمی به زبان است. او می‌گوید هنرهای تجسمی به سه روش به زبان واکنش نشان می‌دهند: (۱) یک اثر هنری می‌تواند اثری ادبی را به تصویر درآورد، (۲) یک اثر هنری می‌تواند با زبان در هم آمیزد و (۳) در عصر ما، آثار هنری گاهی تنها زبان را ترسیم می‌کنند. «فوکو و پاساساختارگرایی» عنوان مقاله بعدی این بخش است. پاساساختارگرایی در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه پا به عرصه وجود گذاشت و فوکو و دریدا پیشگامان آن بودند. الن دی. شیفت^{۴۴} با مقاله خود شما را به تماشای پرده‌هایی از نمایش پاساساختارگرایی دعوت می‌کند. تاریخ مطالعات فرهنگی از ابتدا تا امروز موضوعی است که پائول اسمیت^{۴۵} در مقاله آخر این بخش، با عنوان «مطالعات فرهنگی» به آن می‌پردازد. بخش چهارم کتاب که شامل مقاله‌هایی با موضوع سیاست ادبیات است، با مارکس و نقد مارکسیستی آغاز می‌شود. «هوشمندانه‌ترین نقد مارکسیستی بر تعهد خود نسبت به اهمیت بنیادین کاپیتالیزم برای معانی و مفاهیم آثار هنری و تجربه‌های زیبایی‌شناختی مدرن تأکید و هم‌زمان ادعا می‌کند که چیستی آثار و تجربه‌های ادبی، زیبایی‌شناختی و فرهنگی به‌طور یکجانبه به واسطه تقدیر اجتماعی - اقتصادی و سیاسی تعیین نمی‌شود و از این‌رو این آثار و تجربه‌ها تنها

به شکلی منفعلانه تقدیر را منعکس نمی‌سازند. بلکه آثار ادبی و دیگر آثار هنری به نوشته شدن این تقدیر کمک می‌کنند و خود آثار غالباً پرده از ابعاد واقعیت اجتماعی و سیاسی برمی‌دارند و اگر چنین نبود این واقعیت خام و ناپخته باقی می‌ماند». نقد منتقدان مارکسیست توانایی ادبیات را برای آشکارسازی ابعاد مهم واقعیت سیاسی - اجتماعی و تاریخی نشان داد. برای آشنایی با اندیشه‌های مارکس، انگلس و منتقدان مارکسیست، مقالهٔ رابرت کافمن^{۴۶} را بخوانید.

«مکتب فرانکفورت و وارثانش» به قلم جفری ت. نیولن^{۴۷} مقاله‌ای است که به نفوذ اندیشه‌های مکتب فرانکفورت در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و ادبی می‌پردازد. نویسنده برای نشان دادن جایگاه مکتب فرانکفورت در پیدایش نظریهٔ ادبی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، به اظهارنظرهای فوکو دربارهٔ این مکتب اشاره می‌کند. فوکو می‌گوید شاید اگر آثار مکتب فرانکفورت را پیش‌تر خوانده بودم، نیازی به نوشتن برخی مطالب نداشتم و از بعضی خطاها دور می‌ماندم. آراء و اندیشه‌های هابرماس و تأثیر آنها بر نظریهٔ ادبی، جایگاه مکتب فرانکفورت در مطالعات فرهنگی، دیدگاه‌های آدورنو و بنیامین در عرصهٔ مطالعات فرهنگ و رسانه، تأثیر اندیشه‌های بنیامین بر مطالعهٔ روابط میان آفرینش هنری و ابداعات عرصهٔ فناوری از مهم‌ترین مباحث مطرح در این مقاله‌اند.

«با آلتوسر راهمان را برای ورود به دنیایی تازه خواهیم یافت». این جمله حسن ختام مقالهٔ «آلتوسر: ساختارگرایی یا ضدساختارگرایی؟» به قلم وارن مونتگ است. مونتگ می‌گوید آلتوسر حتی سال‌ها پس از مرگش به‌عنوان مبدع مارکسیسم ساختارگرا که نتیجهٔ کاربرد روش‌های ساختارگرای مورد استفاده در مطالعات زبان‌شناسی، انسان‌شناسی و ادبی در متن‌های مارکسیست بود، شناخته شده بود. اگرچه این خوانش از آلتوسر غیرقابل دفاع به نظر می‌رسد، اما اشتباه خواهد بود اگر تصور کنیم چنین خوانشی خطایی است که می‌توان به‌سادگی فراموشش کرد. این مقاله با اشاره به آثار آلتوسر و نقل‌قول‌هایی از او نشان می‌دهد که چگونه می‌توان او را ساختارگرا یا ضدساختارگرا دانست. معرفی آثار آلتوسر در قلمرو هنر و ادبیات بخش دیگری از مقالهٔ مونتگ است.

تاریخ‌گرایی جدید تأکید می‌کند که ادبیات را باید در بافت تاریخی‌اش فهمید، زیرا تاریخ‌گرایی جدید متن ادبی را محصول فرهنگی زمان و مکان آن می‌داند. تاریخ‌گرایی جدید در نقطهٔ مقابل انسان‌باوری قرار دارد زیرا فرد را محصول زمان و مکان او به شمار می‌آورد. ماتریالیسم فرهنگی نیز در تضاد با انسان‌باوری است زیرا فرد را محصول ساختاری قدرت می‌داند. «تاریخ‌گرایی جدید و ماتریالیسم فرهنگی» را نیما پروینی نوشته است. نویسنده مقالهٔ خود را با این مقدمه آغاز می‌کند که تاریخ‌گرایی جدید و ماتریالیسم فرهنگی نشان‌دهندهٔ گذار از دورهٔ تمرکز نقد ادبی بر متون ادبی به دورهٔ تمرکز بر بافت تاریخی است. چگونگی پیدایش تاریخ‌گرایی

جدید در ابتدای دهه ۱۹۸۰ در آمریکا، اهمیت تاریخ‌گرایی جدید در مطالعه آثار شکسپیر و ادبیات ابتدای دوره مدرن، انواع تاریخ‌گرایی جدید، معرفی اندیشمندانی که بر تاریخ‌گرایی جدید اثرگذار بوده‌اند، نقد دیگران و بیش از همه فمینیست‌ها به تاریخ‌گرایی جدید، چگونگی پیدایش ماتریالیسم فرهنگی در انگلیس، معرفی گرامشی، ریموند ویلیامز و آلتوسر به‌عنوان چهره‌های اثرگذار ماتریالیسم فرهنگی، معرفی شماری از آثار ماتریالیست‌های فرهنگی و نقدهای وارد به آنها موضوعات اصلی این مقاله‌اند.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۱ و ۲
بهار و تابستان ۱۳۹۷

۱۴۷

توماس کارل وال^{۴۸} در مقاله «امانوئل لویناس و جورجو آگامبن: علم اخلاق، زیبایی‌شناسی، بوطیقا، سیاست» آثار و اندیشه‌های لویناس^{۴۹} و آگامبن^{۵۰} را معرفی می‌کند. او می‌گوید از پنجره اندیشه‌های هایدگر است که به تصویر این دو فیلسوف می‌نگرد زیرا مسیر زندگی هر دوی آنها پس از آشنایی با هایدگر تغییر کرده است. سیراج احمد با تکیه بر دیدگاه‌های اسکات^{۵۱} و چکراواتی^{۵۲}، نظریه پسااستعماری را در مقاله‌ای با همین عنوان معرفی می‌کند. در دیدگاه اسکات، مطالعات پسااستعماری باید با نگاهی انتقادی به شرایط جدید انقلاب بیندیشند. در دیدگاه چکراواتی، مطالعات پسااستعماری باید انسان را نیرویی بدانند که در فرایند دستیابی به آزادی‌های خویش، بنیان خود را که از خاک است، ویران می‌کند. «همه تصورات ما از آزادی - خواه لیبرال، خواه مارکسیست یا پسااستعماری - با پیش‌فرض حاکمیت مطلق انسان بر زمین همراه‌اند و بنابراین به تخریب محیط زیست که بقای آدمی به آن وابسته است، مشروعیت می‌بخشند». ریشه‌های ضداستعماری اندیشه پسااستعماری و عبور از پسااستعماری به سوی نظریه پسااستعماری از مهم‌ترین مباحث مطرح در مقاله سیراج احمدند. «جهانی‌سازی چیست؟، نقش جدید تخیل در زندگی اجتماعی و جهانی‌سازی و مطالعات ادبی» موضوعات آخرین مقاله این بخش با عنوان «مطالعات جهانی‌سازی» به قلم دایانا بریدن^{۵۳} است. بخش پنجم کتاب راهنمای نظریه ادبی با مقاله «نژاد، ادبیات، نظریه» آغاز می‌شود. جیمز برکستون پیترسون با اشاره به اینکه فصل مشترک نژاد، ادبیات و نظریه مجموعه‌ای از ماتریس‌هاست که روابط متقابل پیچیده میان نژاد، جامعه، شهروندی و نقش ادبیات در ترسیم دنیای ما را هماهنگ می‌کند، به جایگاه و نقش نژاد در ادبیات، نقد و نظریه ادبی می‌پردازد.

«مطالعات قومی»^{۵۴} نتیجه مستقیم عمل‌گرایی سیاسی است. «مطالعات قومی نتیجه مستقیم اعتراضات و خواسته‌های دانشجویان بود». «مطالعات قومی پیش و بیش از هر چیز به تلاش‌ها برای تغییر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ترویج عدالت اجتماعی می‌پردازد». «مطالعات قومی به شیوه‌ای نظام‌مند خوانش ما را از ادبیات اصلاح می‌کند، پیچیده می‌سازد و گسترش می‌دهد». این‌ها جمله‌های اصلی مقاله «مطالعات قومی: خوانش به شیوه‌ای دیگر» به قلم ران اسکپ^{۵۵} اند که

با نگاهی دقیق مطالعات قومی را معرفی می‌کند. فمینیسم از دهه ۱۹۷۰ تا امروز معانی صریح و ضمنی گوناگونی داشته است. امروز، فمینیسم به مجموعه‌ای از نظریه‌ها و کنش‌ها دلالت دارد که هدفشان شناسایی، تحلیل و تغییر ظلم‌ها یا تبعیض‌های جنسی (زیستی یا فرهنگی) است. «فمینیسم انگلیسی‌زبان» عنوان مقاله رابین وارهال^{۵۶} است که این شاخه از فمینیسم را معرفی می‌کند. «فمینیسم انگلیسی‌زبان» جایگزینی برای اصطلاح قدیمی‌تر «فمینیسم انگلیسی - آمریکایی» است. اصطلاح «فمینیسم انگلیسی - آمریکایی» در دهه ۱۹۸۰ برای متمایزسازی نظریه‌های فمینیستی انگلیسی و آمریکایی از فمینیسم فرانسوی ابداع شد. اصطلاح «فمینیسم انگلیسی‌زبان» فعالیت‌های مهمی را در برمی‌گیرد که در بیست‌وپنج سال پایانی قرن بیستم فمینیست‌های آمریکایی و انگلیسی انجام دادند. فمینیست‌های انگلیسی‌زبان سه موج متفاوت داشتند: موج اول شامل جنبش‌های حق رأی زنان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود، موج دوم انقلاب جنسیتی از دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۹۰ را دنبال می‌کرد و موج سوم نسل بعدی زنان بودند. برای آشنایی با فمینیست‌های انگلیسی‌زبان و فعالیت‌های آنها مقاله وارهال را مطالعه کنید. «نظریه جنسیت: زنانگی‌ها و مردانگی‌ها» به قلم مارگارت گالوان^{۵۷}، «نظریه فراهنجار»^{۵۸} نوشته استیون ف. کروگر^{۵۹} و «مطالعات معلولیت»^{۶۰} اثر کریستوفر کرتز^{۶۱} مقاله‌های بعدی این بخش‌اند و آخرین مقاله را میشل بالائو با موضوع «مطالعات تروما» و با همین عنوان نوشته است. «ترومای روان‌شناختی»، «بازنمایی آن در زبان و نقش حافظه در شکل دادن به هویت‌های فردی و فرهنگی» موضوعات اصلی مطالعات تروما هستند.

بخش ششم کتاب به معرفی نقدهای روانکاوانه فرویدی و لکانی، نقد کهن‌الگویی^{۶۲} یونگ^{۶۳} و فرای^{۶۴} و نقد شناختی اختصاص یافته است. در مقاله نخست با عنوان «نقد روانکاوانه فرویدی»، دنیل ت. اهرآ^{۶۵} اندیشه‌ها و روش‌های فروید را معرفی می‌کند و جایگاه نقد روانکاوانه فرویدی را در ادبیات امروز نشان می‌دهد. «لکان به فروید بازگشت و این موضوع الهام‌بخش احتمالات تعبیری تازه در مطالعات ادبی، فلسفه، علوم انسانی، نشانه‌شناسی، مطالعات زبان، مطالعات فیلم، مطالعات چندفرهنگی، نظریه فراهنجار، مطالعات شناختی، مطالعات تروما، مطالعات حیوانات و بسیاری دیگر از عرصه‌های مطالعاتی شد». در مقاله دوم، «نقد روانکاوانه لکانی»، با اندیشه‌های لکان آشنا می‌شویم. نویسنده مقاله ابتدا روشی را برای خواندن لکان پیشنهاد می‌دهد و سپس برخی مفاهیم نظریه روانکاوانه لکانی را که در تعبیر متن‌های ادبی سودمندند، معرفی می‌کند. بر اساس روش پیشنهادی نویسنده، بهتر است خواندن لکان را با آشنایی با بافت فرهنگی او آغاز کنیم و برای نمونه، بدانیم با کدام اندیشمندان و هنرمندان دوست و با کدام فلاسفه آشنا بود. سوژه لکانی و نظریه گفتمان لکان مهم‌ترین مباحث مطرح در این مقاله‌اند.

فرای می‌گوید: «مقصود من از کهن‌الگو نمادی است که شعری را به شعری دیگر پیوند می‌دهد و از این رهگذر به هماهنگ‌سازی تجربه ادبی ما کمک می‌کند... نقد کهن‌الگویی در درجه نخست به ادبیات به‌عنوان واقعیتی اجتماعی و یک شیوه ارتباطی می‌پردازد... اگر عنصر کهن‌الگویی یا قراردادی را که شعری را به شعری دیگر پیوند می‌دهد، نپذیریم، حصول هرگونه پرورش ذهنی نظام‌مند در نتیجه خواندن ادبیات ناممکن خواهد بود». در مقاله سوم این بخش، «نقد کهن‌الگویی: یونگ و فرای»، به قلم گلن رابرت گیل، نقد کهن‌الگویی معرفی می‌شود. نقد کهن‌الگویی به نظریه‌پردازی درباره وجود نمادهای ناپیوسته و پیوسته، شامل فرم‌های روایی و انواع شخصیت، در اسطوره‌های باستان و بررسی تکرار آنها در اسطوره‌ها می‌پردازد و برای تفسیر منتقدانه ادبیات‌ها و فرهنگ‌های جدیدتر از آنها استفاده می‌کند. «نقد ادبی شناختی» آخرین مقاله فصل بدن‌ها و ذهن‌هایشان است که به معرفی رویکردهای شناختی و مفاهیم مطرح در آنها می‌پردازد. استعاره، جهان‌های روایی و داستانی، همدلی و ذهن‌های دیگر، بوطیقای شناختی و شعر، و تاریخ‌گرایی شناختی از جمله موضوعات مطرح در این مقاله‌اند.

بخش پایانی کتاب *راهنمای نظریه ادبی*، با مقاله‌ای با موضوع نظریه ادبی تکاملی^{۶۶} و با همین عنوان آغاز می‌شود. در اواسط دهه ۱۹۹۰، تعداد اندکی از پژوهشگران عرصه ادبیات، شبیه‌سازی علوم اجتماعی تکاملی را آغاز کردند. پژوهشگران عرصه ادبیات که پیوند نزدیکی با علوم اجتماعی تکاملی دارد، اینک جنبشی را شکل داده‌اند که در تعدادی از کتاب‌ها، مقاله‌ها و فصل‌های کتاب‌ها به تصویر کشیده شده است. مطالعه ادبی تکاملی معمولاً جهان‌بینی ناتورالیستی و معرفت‌شناسی تعدیل‌یافته بر اساس واقع‌گرایی علمی مورد حمایت کارل پوپر و کنراد لرنز را برمی‌گزیند. برای آشنایی با همه جنبه‌های این نظریه مقاله جوزف کرال را بخوانید. هرولد فرام در مقاله «نقد زیست‌محیطی: جهان در حال گسترش» به همه پرسش‌های شما درباره نقد زیست‌محیطی پاسخ می‌دهد. «سایبرنتیک و پسانسان‌باوری» آخرین مقاله کتاب *راهنمای نظریه ادبی* است. سایبرنتیک عرصه‌ای میان‌رشته‌ای از پژوهش‌های علمی است که در پایان جنگ جهانی دوم در سال‌های میان ۱۹۴۳ تا ۱۹۵۴ مطرح شد و پسانسان‌باوری بازتعریف یا دگروارهای برای انسان‌باوری است. توماس فاستر در مقاله خود، سایبرنتیک و پسانسان‌باوری را تشریح می‌کند.

پی‌نوشت

1. Wiley Blackwell
2. A Companion to Literary Theory
3. D. H. Richter
4. S. Ahmed
5. M. Balaev
6. R. S. Buurma

7. J. Carroll
8. T. Foster
9. H. Fromm
10. M. Galvan
11. G. R. Gill
12. M. Grishakova
13. W. Montag
14. P. J. Rabinowitz
15. W. E. Cain
16. New Criticism
17. Ransom
18. H. H. Waggoner
19. W. Logan
20. T. S. Eliot
21. I. A. Richards
22. W. Empson
23. K. Burke
24. E. Pound
25. F. R. Leavis
26. R. P. Blackmur
27. Y. Winters
28. C. Brooks
29. A. Tate
30. D. Gorman
31. The Rebel
32. M. Toolan
33. Contemporary Narrative Theory
34. J. Phelan
35. Ch. Norris
36. deconstruction
37. de Man
38. D. S. Miall
39. S. Keen
40. empathy
41. M. K. Gold
42. J. Guillory
43. J. A. W. Haffernan
44. A. D. Schrift
45. P. Smith
46. R. Kaufman
47. J. T. Nealon
48. T. C. Wall
49. E. Levinas
50. G. Agamben
51. Scott
52. Chakrabarty
53. D. Brydon
54. ethnic studies
55. R. Scapp
56. R. Warhol
57. M. Galvan
58. Queer Theory
59. S. F. Kruger
60. Disability Studies
61. Ch. Krentz
62. Archetypal Criticism
63. Jung
64. Frye
65. D. T. O'Hara
66. Evolutionary Literary Theory

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۱ و ۲
بهار و تابستان ۱۳۹۷

۱۵۰